

# جوابهای نورانی در مورد عاشورای حسینی

جمع‌آوری کننده:

موالی غیور

محرم سال ۱۴۲۴ هـ

عنوان کتاب:

جواب‌های نورانی در مورد عاشورای حسینی

تألیف:

موالی غیور

موضوع:

بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت، علم  
غیب، امامت و مهدویت، خمس)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده  
است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

ایمیل:

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ستایش و سپاس را پروردگار جهانیان است و سلام و درود بر سرور پیشینیان و آیندگان پیامبر ما محمد و آل طیب و پاکش... و اما بعد:

این کتابچه ایست نکته بین و مختصر که در آن بجز نقل و روایت از کتب و مراجع چیز دیگری وارد نشده است؛ درخواستی که از شما دارم این است که در قضاوت عجله نفرمائید، همانا حقیقت دوست داشتنی است و هر عاقلی در پی آن است و کسی که در راه بدست آوردن آن به خود سختی دهد، لذت و راحتی را بعد از بدست آوردن آن خواهد چشید.

بله، راه بدست آوردن حقیقت سخت و پر مشقت است ولی گریزی از آن وجود ندارد، چه اندازه ائمه علیهم السلام کوشش و وقت خود را صرف آشکار کردن شعائر دینی کردند، چه بسا که سرور و امام جوانان اهل بهشت خودش و جانش را برای نصرت و یاری این دین و بیان شعائر اسلام و حقائقش فدا کرد، پس وظیفه‌ی ما می‌باشد که در آشکار کردن و جستجوی حقائق دین خود را مکلف کنیم.

این سئوالاتی چند و جواب‌هایی کوتاه از آن ایام می‌باشد، ایام عاشوراء و همچنین بعضی مسائل مهم مربوط به عزاداری و قبور و صبر بر مشقتهائی که چه اکنون گریبانگیر ما است و چه با یاد مصائب گذشته گرفتار آن می‌شویم. و البته که باید در نظر داشت اگر مصیبتی بر مؤمنی وارد شد همانگونه که خداوند عز و جل فرموده است باید بگوید: ﴿إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶]. ترجمه: «همانا ما برای الله هستیم و همانا بازگشت ما بسوی اوست».

خاطر نشان می‌کنم تمامی جواب‌ها از روایات صحیح اثبات شده‌ای است که از ائمه علیهم‌السلام رسیده است و یا از علمای محقق متقدم (قدیمی) و متأخر (جدید) می‌باشد. و ناگفته نماند: به علت محدودیتهای چاپی سعی در اختصار مطالب کرده‌ام.

همانا روایات زیادی از ائمه علیهم‌السلام در جلالشان نقل شده است، و بر تقلید کورکورانه‌ای که ما را مهممل و هیچکاره می‌گرداند هشدارهائی بس وجود دارد، ولی با این حال زمانهای زیادی است که در بطلان آن تقلید زندگی کرده و از فلانی و فلانی به شکلی تقلید می‌کنیم که انگار عقلی در ما وجود ندارد.

با وجود اینکه مذهب به کسب علم و اجتهاد فرمان می‌دهد ولی در عصرهای ضعف و انحطاط از روی ترس مطالعه‌ی علم دینی و اجتهاد را ترک کرده‌ایم، ولی حالا ما ندای اجتهاد سر داده و یاد آور می‌شویم مذهب شیعه دعوت به اجتهاد می‌دهد و درهای اجتهاد در آن باز می‌باشد، ولی ترور فکری بی‌حد و حصری بر روشنفکران وجود داشته، و در نتیجه آن حال و وضع عوام نیز به تبع آن بوده است و هر آینه راهی برای ما جز تقلید و تبعیت مراجع باقی نگذاشته است.

و این هم اقتباساتی از کلام ائمه علیهم‌السلام برای شما، و ان شاء الله که ما را در دعای خود فراموش نمی‌کنید.

س: نظر شما در مورد شعائر حسینی و رد کسانی که می‌گویند: این موارد در زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام وجود نداشته است و در نتیجه دارای مشروعیت نمی‌باشد چیست؟  
ج: آیت الله العظمی جواد تبریزی اینگونه جواب داده‌اند که: شیعیان در زمان ائمه با تقیه زندگی می‌کردند و اینکه این شعائر حسینی وجود نداشته است به علت عدم امکان وجود آن بوده است و این مسئله عدم مشروعیت آنرا در زمان حاضر نمی‌رساند، و اگر شیعیان در آن زمان امکان برگزاری شعائر حسینی را داشتند همانگونه که ما اکنون آنرا انجام می‌دهیم به آن می‌پرداختند، مانند نصب پرچمهای

سیاه بر در حسینیه‌ها برای اظهار ناراحتی (قسمت دوم از صراط النجاة خوئی صفحه ۵۶۲ چاپ ۱۴۱۷).

به مانند این جواب علامه آیت الله العظمی علی حسینی فانی اصفهانی نیز وقتی به وی گفته شد: این امور<sup>۱</sup> در زمان معصومین علیهم‌السلام با وجود اینکه آنها اهل مصیبت بوده و بر تعزیه‌ی حسین علیه‌السلام از ما اولی‌تر بوده‌اند وجود نداشته است؛ و در هیچ حدیثی، امری از آنها در این باره وجود ندارد و این امور بدعتی<sup>۲</sup> است که شیعه آنها را در دین قرار داده است. و آنرا شعائر مذهبی می‌خواند و همانطور که سینه به سینه به ما رسیده است هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی باعث داخل شدن در آتش جهنم می‌باشد.

گفت: جواب واقعا واضح است، هر مسئله جدیدی بدعت نیست، و بدعت نکوهیده عبارت است از قرار دادن حکمی ساختگی است که در دین وجود ندارد، و از دین نیز نمی‌باشد و [باید توجه داشت] روایت وارد شده در مذمت بدعت و بدعتگذار بیانگر منع قرار دادن حکمی در دین نمی‌باشد بلکه به حکم عقل، زشتی قرار دادن مسائلی را در دین بیان می‌کند که به طریقی غیر از راه مجاز آن و در لوای دین و به اسم وحی آسمانی قرار داده می‌شود؛ اگر اینگونه نباشد در مورد شبهاتی که مربوط به صادر کردن حکم می‌باشد و روایات بر بیزاری جستن از آنها دلالت دارد و برعکس عقل حکم می‌کند که عقوبت برای آنها زشت می‌باشد، چه باید گفت؟ بدیهی است که شعائر حسینی اینگونه نیستند گریه کردن<sup>۳</sup> بر آنها فعلی است که

۱- مراسم عزاداری (مترجم).

۲- بدعت به امری گفته می‌شود که اصلی در دین نداشته و بصورت ساختگی وارد دین می‌شود (مترجم).

۳- احمد بن فهد الحلی در عدة الداعی (صفحه ۱۶۹) از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند: تمامی چشمان در روز قیامت گریانند بجز سه چشم: چشمی که نگاه خود را از حرام الله حفظ کند و چشمی که برای طاعت خداوند بیدار بماند و چشمی که در دل شب از ترس از عظمت و

سببی می‌خواهد و من می‌گویم: [سبب آن] می‌تواند زبانی باشد، مثل ذکر مصائب و ساختن مرثیه، و یا عملی باشد مانند اعمال قومی<sup>۱</sup>؛ و فقیه باید حکم به جایز بودن آن شعائر دینی را صادر کند تا گریه زاری بهتر انجام شود و هرگز متوقف نشود؛ چه بسا که تعزیه مقصد و هدف من می‌باشد، و گیزی جز به نمایش گذاردن آن نمی‌باشد؛ و همانطور که می‌دانیم نمایش در هر ملتی فرق می‌کند و یکسان نمی‌باشد و در این امور بدون تعارف در نزد شیعه منعی در باره آن نیامده است و عقل نیز آنرا قبیح نمی‌داند و علت شک تو نیز نفهمیدن مفهوم بدعت و عدم تطبیق آن با مسائل امکان پذیر می‌باشد (مقتل الحسین از مرتضی عیاد ص ۱۹۷).

و حسن مغنیه گفته است: سلسله آل بویه تشکیل شد و از پس آن، این روز<sup>۲</sup> پدید آمد - سوگواری و حسینی‌ها در این روز در جائی ثبت نشده‌اند بجز بوسيله آل بویه - و همانگونه که شایسته‌ی حزن ما می‌باشد در بغداد و تمام عراق و خراسان و ماوراء النهر و تمام دنیا تجلی یافت و سرزمینها سیاه پوش شدند، و مردم برای ابلاغ فاجعه دردناکی که اهل آن سختی کشیده بودند به کامل‌ترین شکل قیام کردند، و همچنین در سلسله حمدانی، حسینی‌ها در حلب در روز عاشورا نیز در مقابل مراسم بغداد احساس کوچکی کردند، و به اصول زا برای خود انتخاب کردند که در جمیع اماکن اسلامی و عربی بخصوص در عراق و ایران و هند و سوریه و حجاز وجود داشت؛ در نتیجه آن ماتم و نوحه خوانی برپا شد و برای ریختن اشکها پیمان بسته شد و برپا داشتن شعائر حسینی مظهری از مظاهر خدمت به حق و اشاعه‌ی آن گردید (آداب المنابر: صفحه ۱۹۲).

بزرگی خداوند گریه کند؛ پس بنابراین گریه از ترس خداوند باید باشد نه آنگونه که در حسینی‌ها و عزاداری می‌باشد.

۱- اعمال قومی: اعمال محلی و عامیانه که در روستا و شهرهای مختلف عرف شده است.

(مترجم).

۲- ایام محرم.

باید گفت: قبل از آل بویه و فاطمیه هیچ مظهري برای خدمت به حق و اعلان حقيقت وجود نداشت و بعد از آنکه آنها آمدند (کسانی که امام معصوم نبودند) این مسائل را مظهري از مظاهر خدمت به خلق قرار دادند.

س: آیا از رسول الله ﷺ و یا ائمه اطهار علیهم السلام نصی بر مظلوم نمائی و نوحه خوانی و پوشیدن لباس سیاه و قمه زنی و آنچه که در عزاداری امروزه انجام می‌شود وجود دارد؟

ج: جواب این سوال را علامه محمد بن حسین بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق اینگونه داده است: در لفظ رسول الله ﷺ که بر آن چیزی برتری ندارد به این شکل آمده است که: «نوحه سرائی از اعمال جاهلیت می‌باشد» (من لایحضره الفقیه: ۴/۲۷۱-۲۷۲). و همچنین محمد باقر مجلسی با این لفظ آنرا روایت کرده است که: «نوحه سرائی از جاهلیت می‌باشد» ا.ه (بحار الأنوار: ۱۰۳/۸۲).

و تمامی علماء محقق از جمله نوری و بروجردي از رسول الله ﷺ روایت کرده‌اند که او فرمود: «دو صدا هستند که ملعونند و خداوند به آنه غضب می‌کند: شیون در مصیبت و صدا در حالت شادی یعنی: نوحه و غناء» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

از این روایات می‌توان یاد کرد از نوشته ای که امیر المومنین علیه السلام به رفاعه بن شداد فرستاد: «در سرزمینی که صاحب قدرت هستی تو را به نوحه برای مرده هشدار می‌دهم» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۴).

و همچنین سخن علیه السلام در حدیث: «و همانا شما را از نوحه و شیون نهی می‌کنم» (جامع احادیث الشیعة: ۳/۳۷۲).

و روایتی که جابر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «و همانا من شما را نهی کرده ام از نوحه سرائی و دو صدای احمقانه‌ی بی بندبار: صدا هنگام نغمه‌های

لهو و آوازه‌های شیطانی و صدا هنگام مصیبت [و] چنگ زدن صورت و پاره کردن یقه و ناله شیطانی» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۵).

و از امام علی علیه السلام: سه چیز از اعمال جاهلیت می‌باشد و در بین مردم از بین نمی‌رود تا قیامت برپا شود: باران طلبدن از ستارگان و توهین کردن به اقوام و نوحه سرائی در مرگ» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

و کلینی و غیره از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود: «فریاد زدن بر مرده اصلاح نمی‌گردد و جایز نمی‌باشد ولی اکثر مردم درک نمی‌کنند». (الکافی: ۳/۲۲۶).  
و کلینی همچنین از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمود: «فریاد زدن برای مرگ جایز نیست و لباس پاره کردن [نیز همچنین] جایز نیست» (الکافی: ۳/۲۵۵).

محمد باقر مجلسی از امام علی علیه السلام روایت می‌کند: «وقتی ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فوت کرد به من امر فرمود و من [نیز] او را غسل دادم، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم او را کفن نمود و حنوط مالید و به من فرمود: ای علی او را حمل کن، او را حمل کرده تا به بقیع رساندم و بعد از آن بر آن نماز گذارد... و وقتی احوال او را دید صلی الله علیه و آله و سلم گریه کرد و از پس گریه‌ی او مسلمانان گریه کردند تا اینکه صدای [گریه] مردان از صدای زنان بلندتر شد و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به شدیدترین حالت آنها را نهی فرمود و گفت: چشم گریه می‌کند و قلب غمگین می‌شود و نمی‌گوئیم پروردگار بر ما خشم می‌آورد، و همانا ما توسط تو دچار مصیبت می‌شویم و همانا ما به اراده تو اندوهگین می‌شویم». (بحار الأنوار: ۱۰۰/۸۲-۱۰۱).

ملاحظه کن ای برادر مسلمان چگونه مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم به شدیدترین حالت، بلند کردن صدای گریه را نهی فرمود.

و همانگونه که صلی الله علیه و آله و سلم از صوت حزین در مصیبت نهی فرمود و [همچنین] از نوحه سرائی و شنیدن آن [نیز] نهی فرمود. (وسائل الشیعة: ۲/۹۱۵).



و کلینی از فضل بن میسر روایت می‌کند که گفت: «ما نزد ابی عبدالله علیه السلام بودیم و مردی آمد و از مصیبتی که به وی وارد شده بود شکایت می‌کرد. ابو عبدالله علیه السلام فرمود: چنانچه تو صبر کنی اجر می‌گیری و اگر صبر نکنی آن قدری که خداوند بر تو مُقَدَّر کرده است، می‌گذرد و سختی آن را خواهی کشید». (الکافی: ۲۲۵/۳).

و از امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام که فرمود: «صبر و بلاء بسوی مؤمن شدن، پیش می‌برند [بطوری که] بلاء می‌آید و او صبور است، و بلاء و جزع بسوی کافر شدن پیش می‌برند و آن وقتی است که بلاء می‌آید و او جزء و فرع می‌کند». (الذکری: صفحه ۱).

محمد بن مکی العاملی ملقب به شهید اول گفت: «شیخ در المبسوط و ابن حمزه نوحه را حرام کردند و شیخ ادعا کرد [این مسئله] اجماع<sup>۱</sup> است» (الذکری: صفحه ۲، بحارالأنوار: ۱۰۷/۸۲).

و شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ الطائفه، نوحه را حرام کرد و ادعایش این بود که، این مسئله اجماع می‌باشد، چه بسا او در عصر طوسی بود و شیعیان در آن زمان بر حرام بودن نوحه و شیونی که اکنون در حسینیات شنیده می‌شود، اجماع داشتند، کارهایی که همانگونه که در قبل گفتیم با منهج صحیح ائمه آل بیت علیهم السلام تضاد دارد.

آیت الله العظمی محمد بن حسینی شیرازی گفت: «ولی از شیخ در المبسوط و ابن حمزه حرام بودن مطلق آمده است» (فقه: ۲۵۳/۱۵).

و شیرازی گفت: «در الجواهر خودزنی و شیون بطور قطعی حرام شده است». (الفقه: ۲۶۰/۱۵).

---

۱- اجماع در اصطلاح فقهی به حکمی گفته می‌شود که تمامی علماء بر آن اتفاق نظر دارند. (مترجم).

و امام باقر علیه السلام فرمود: «بدترین جزع (بی صبری) فریاد بلند کشیدن در ناراحتی و شیون و زدن صورت و سینه می‌باشد، و کشیدن موی پیشانی می‌باشد و کسی که نوحه را برپا کند صبر را ترک کرده است و راهی غیر از راه درست را برگزیده است» (الکافی: ۲۲۲/۳-۲۲۳، وسائل شیعه: ۹۱۵/۲، بحار الأنوار: ۸۹/۸۲).

و همچنین قول امام صادق علیه السلام است که: «کسی که در مصیبت دستش را بر رانش بزند اجر او باطل می‌شود». (الکافی: ۲۲۵/۳).

می‌گویم: پس حال تو چگونه است ای کسی که بر سرو سینه می‌زنی؟ آیا اجر تو از درجه اول اینکه با منع نبی صلی الله علیه و آله و سلم تضاد دارد، باطل نمی‌شود؟ و فرموده‌ی صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که بر صورت زند و یقه پاره کند از ما نیست» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۴).

و محمد تیجانی سماوی این مسئله ذکر می‌کند که از امام محمد باقر صدر در باره‌ی این حدیث پرسید و او جواب داد: «حدیث صحیحی است که در آن شکی نیست» (ثم اهتدیت (آنگاه هدایت شدم): صفحه ۵۸ چاپ عربی).

و از یحیی بن خالد آمده است که مردی نزد نبی صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: چه چیزی اجر مصیبت را باطل می‌کند؟ فرمود: زدن دستها بر یکدیگر، و صبر در مصیبت از مهمترین مسائل است، کسی که به آن راضی شود برای او رضایتمندی خواهد بود و کسی که خشم کند پس برای او خشمگینی [از طرف خداوند] خواهد بود، در ادامه نبی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من از کسی که بتراشد و بالا ببرد بیزار هستم، به معنی تراشیدن سر و بلند کردن صدا» (جامع الحدیث الشیعة: ۳/۴۸۹).

جعفر بن محمد (امام جعفر صادق علیه السلام) از پدران‌ش از نبی صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث نهی شدگان، روایت می‌کند: «همانا او از بوجود آوردن صدای حزین در مصیبت نهی فرمود و نهی فرمود از نوحه سرائی و شنیدن آن و نهی فرمود از زدن صورت» (من

لایحضره الفقیه: ۴/۳-۴).

و محمد بن مکی العاملی گفت: «بر سر و سینه زدن و پاره کردن و کشیدن مو به طور اجماع حرام می‌باشد؛ آنرا در المبسوط گفته است و آن خشمگینی بر قضاء و قَدَر الهی است» (فی الذکری: صفحه ۷۲).

و شیرازی گفته است: «در المنهی زدن صورت و برکندن مو نهی شده است» (الفقه: ۲۶۰/۱۵).

دکتر محمد تیجانی سماوی به گریه‌ی نبی ﷺ بر عمویش ابی طالب و حمزه و همسرش خدیجه اشاره می‌کند و می‌گوید: «ولی در تمامی آن حالات از سر مهربانی گریه می‌کرد... ولی وی از بروز ناراحتی از فرد حزین و زدن صورت و پاره کردن سینه نهی فرمود، پس چگونه است حال تو که با اجسام آهنی بر خود می‌زنی بطوریکه خون سرازیر می‌شود؟» (در کتاب کل الحلول: صفحه ۱۵۱).

سپس تیجانی یاد می‌کند که امیر المؤمنین علی بن ابیطالب آنچه را که شیعیان امروزه انجام می‌دهند در زمان وفات نبی ﷺ انجام نداد و به همین ترتیب امامان حسن و حسین و سجاد نیز این کار را نکردند و درباره این امام، تیجانی گفته است: «همانا چیزهائی را دید که هیچ کس ندیده است او با دو چشم خود شاهد کربلا بود، کربلائی که در آن پدرش و عموهایش و بردارانش همگی کشته شدند، و مصیبت‌هائی را دید که کوه دوام آنرا ندارد و در تاریخ نیز از هیچکدام از ائمه علیهم السلام چیزی درباره آنکه او کاری کرده باشد روایت نشده است و یا اینکه امر به تبعیت و پیروی آن کند» (کل الحلول: صفحه ۱۵۱).

تیجانی همچنین می‌گوید: «به حق گفته می‌شود: آنچه که بعضی شیعیان از آن اعمال خاص انجام می‌دهند ذره‌ی از دین نیست، و اگر مجتهدین اجتهاد کنند و فتوا دهندگان به آن فتوا دهند که در آن اجری بزرگ و ثوابی عظیم قرار دهند، همانا آن

فقط عادت و تقلید و احساسی برخورد کردن است که اهل آن توسط آن طغیان کرده و توسط آن از حالت طبیعی خارج می‌شوند و بعد از مدتی فقط بصورت یک رسم قومی در می‌آید که پسر از پدرش به شکلی کورکورانه و بدون فهم به ارث می‌برد، تا جایی که بعضی از عوام اینگونه حس می‌کنند که با زدن خود و خود را خونی مالی کردن قرب الی الله می‌باشد، و بعضی اینگونه اعتقاد دارند که کسی که این کار را انجام ندهد حسین را دوست ندارد» (کل الحلول: صفحه ۱۴۸).

و همچنین گفته است: «عقل سلیم این مناظر مشمئز کننده را نمی‌پذیرد، وقتی مردی لخت می‌شود و با زنجیر بدست خودش خود را می‌زند و به طرزی دیوانه وار صدای خود را بلند کرده و حسین حسین؛ می‌کند، و عجیب و شک برانگیز اینجا است که بوضوح دیده می‌شود وقتی آن افراد به یکباره کارشان تمام شد، انگار مانند این است که ناراحتی آنها بر طرف شده است و با گذشت اندک زمانی بعد از اتمام عزاداری می‌بینی که می‌خندند و شیرینی می‌خورند و می‌نوشند و میوه می‌خورند و همه چیز با تمام شدن حرکت دسته تمام می‌شود. و عجیب آنجا است که بیشتر آنها انسانهای دینداری نیستند، و از این رو چندین دفعه خودم در انتقاد از آنها مدارا کرده و گفتم: همانا آنچه انجام می‌دهند فقط یک رسم قومی و تقلید کورکورانه است» (کل الحلول: صفحه ۱۴۹).

و سخن شیخ مغنیه نزدیک به این سخن است که می‌گوید: «حقیقتاً زدن سر با قمه و شمشیر و خارج شدن خون از آن ذره ای از اسلام نمی‌باشد و در مورد آن هیچ نص صریحی وجود ندارد ولی عواطفی زیباست که در وجود مؤمنین شکل می‌گیرد چنانچه خونی پاک بخاطر سرهای بریده‌ی فاجعه کربلا ریخته می‌شود» (آداب المنابر: صفحه ۱۸۲).

س: حکم لباس سیاه در عاشورا چیست؟

ج: از امام سوال شد حکم نماز در کلاه سیاه چیست؟ فرمود: «در آن نماز

نخوانید که لباس اهل جهنم است» (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۲).

و از امیر المؤمنین علی علیه السلام در آنچه که اصحابش می‌دانستند روایت شده است که فرمود: «لباس سیاه نپوشید که آن لباس فرعون است» (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۳).

و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که پیامبر در رنگ سیاه کراهت می‌ورزید بجز سه چیز: عمامه و موزه و ردا (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۳).

و آمده است که جبرئیل علیه السلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با قبائی سیاه و کمربندی که در آن خنجری وجود داشت پدیدار آمد و صلی الله علیه و آله و سلم گفت: این لباس پوشیدن چیست؟ و گفت: هیبت پسر عمویت عباس است ای محمد و ای بر فرزندان! از پسر عمویت و نبی صلی الله علیه و آله و سلم به سمت عباس حرکت کرد و گفت: ای عمو! وای بر فرزندم که از فرزندت می‌باشد. و گفت: ای رسول الله آیا من باید جواب دهم؟ گفت: قلم در نوشتن بدی آن ناتوان است» (من لایحضره الفقیه: ۱/۱۶۳، وسائل شیعیه: ۳/۲۷۹).

س: زنان بیشتر گریه و نوحه سرائی می‌کنند آیا در حق آنها اجازه ای برای اجر بردن وجود دارد؟

ج: ممنوعیاتی که در روایات گذشته آورده شده است در مورد زن و مرد یکسان است ولی برای مزید معلومات روایاتی را ذکر می‌کنیم که طرف آنها به شکل خاص زنان می‌باشد تا باشد که زنان شیعه مذهبی که به عزاداری و حسینیه‌ها می‌روند آنها را جمع بندی کرده و در آن تدبیر کنند و آن مراسم را بر خود قدغن کنند.

و امام حسین علیه السلام به خواهر خود زینب وقتی بر صورت خود می‌زد و دست به گیربان می‌برد و آترا پارکده و بیهوش بر زمین افتاد گفت: «ای خواهر کوچک من از خدا تقوا پیشه کن و برای عزای خداوند عزادار باش و بدان که اهل زمین می‌میرند و اهل آسمان باقی نمی‌مانند و همانا که همه چیز نابود می‌شود بجز وجه خداوند تعالی، کسی که مخلوقات را با قدرتش خلق کرده است و همه بسوی او بر می‌گردند

و او یک و یگانه است، پدرم از من بهتر بود و مادرم [نیز] از من بهتر بود و برادرم از من بهتر بود و بر من و بر هر مسلمانی واجب است که رسول الله را الگوی خود بگیریم و به شکل و مانند وی عزادار باشیم، سپس به او گفت: «ای خواهرم، تو را قسم می‌دهم و قسم خوردن را دوست نمی‌دارم، چنانچه من کشته شدم گریبان خود را بر من پاره نکن و صورتت را برای من چنگ نزن و برای من شیون و زاری نکن» (ابن طاووس در الملهوف: صفحه ۵۰ و شیخ محمد حسین فضل الله در الندوة: ۲۰۹/۵).

و در روایتی گفت: «ای خواهر من، ای ام کلثوم، ای فاطمه، ای رباب اگر دیدید کشته شدم، گریبان خود را پاره نکنید و صورتهای خود را چنگ نزنید» (عبدالرزاق الموسوی المقرم در مقتل الحسین: صفحه ۲۱۸).

و در روایتی دیگر: «ای خواهرم همانا تو را قسم می‌دهم وقتی که من هلاک شدم، گریبان خود را بر من پاره نکن و صورت خود را برای من چنگ نزن و گریه و زاری برای من بپا نکن» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۴، مظالم اهل البيت: صفحه ۲۶۴، کتاب: علی خطی الحسین صفحه ۱۱۶ و کتاب: تظلم الزهراء صفحه ۱۹۰ و...).

و کلامش بسی جای تأمل دارد.

و شیخ صدوق و بعضی دیگر از عمر بن ابی المقدم روایت کرده است که گفت: از ابا الحسن و ابا جعفر شنیدم که درباره کلام خداوند ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ [الممتحنة: ۱۲]. ترجمه: «در کار نیک از تو نافرمانی نکنند» گفتند: همانا رسول الله ﷺ به فاطمه عليها السلام فرمود: هنگامی که من مردم صورت خود را بر من چنگ نزن و موهای خود را بر من بر صورت سینه نریز و به شیون ندا سرآمده و برای من نوحه برپا نکن. سپس فرمود: این همان نیکی است که خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ (معانی الأخبار: صفحه ۳۹۰، وسائل شیعہ: ۹۱۵/۲-۹۱۶، و شیخ محمد حسین فضل الله در الندوة: ۷۲/۵).

و ابی عبدالله علیه السلام در مورد این قول خداوند عزوجل ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ فرمود: «نیک (معروف): پاره نکردن گریبان و نزدن بر صورت و آواز نخواندن با زاری و نه ایستادن کنار قبر می‌باشد» (تفسیر نور الثقلین: ۳۰۸/۵).

و از ابی سعید آمده است: «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نوحه خوان و شنونده‌اش را لعن کرده است» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۴۴، البحار: ۹۳/۸۲).

هنگامی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام گریه زنان را بر کشته شدگان صفین شنید، بسوی حرب بن شریحیل شامی حرکت کرد که او یکی از بزرگان قومش بود و علی علیه السلام گفت: «آیا بر زنانتان از آنچه می‌شنوم چیره نمی‌شوید؟ آیا از این صوت حزین آنان را منع نمی‌کنید؟» (جامع الأحادیث الشیعة: ۳/۳۸۷، نگاه کنید البحار: ۸۳/۸۹).

از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود: «اگر خداوند به کسی نعمتی دهد و بخاطر آن نعمت او بدنبال ساز و آواز رود همانا به آن کفر ورزیده است و کسی که به او مصیبتی وارد شود و بخاطر آن مصیبت به نوحه سرائی پردازد نیز به آن کفر ورزیده است و (در روایتی دیگر آمده است): همانا آنرا باطل کرده است» (وسائل الشیعة: ۱۲/۹۰).

و از جعفر بن محمد از پدرانش علیهم السلام در وصیت نبی صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام آمده است: ای علی اگر کسی زنی را اطاعتی کند خداوند عزوجل او را با صورتش وارد آتش می‌کند، علی علیه السلام گفت: آن اطاعت چیست؟ فرمود: به او اجازه دهد تا به آرایشگاه‌ها و عروسیها و نوحه سرائیها رود و لباس نازک بپوشد» (وسائل الشیعة: ۱/۳۷۶).

و شیخ صدوق و بعضی دیگر از جعفر بن محمد از پدرانش علیهم السلام از علی علیه السلام روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «چهار چیز است که در امتم نابود نمی‌شود تا روز قیامت: فخر فروشی به کفایت و توهین به اقوام و باران طلبیدن از ستارگان و نوحه سرائی، و نوحه خوان اگر قبل از مرگش توبه نکند، وقتی قیامت برپا می‌شود بطوری است که پیراهنی از مس گداخته پوشیده و سپر [ش در برابر آن]

پوست می‌باشد» (الخصال: صفحه ۲۲۶).

از جعفر بن محمد رحمته هنگام احتضار چنین وصیت کرد: [زنان] برای من صورتها را نزنند و گریبان برای من پاره نکنند و هر زنی که گریبان بر من پاره کند جز این نیست که شکافی در جهنم برای او ایجاد می‌شود و هرچه بیشتر پیش رود شکاف او بیشتر می‌شود» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

و از علی رضی الله عنه که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله از زنان بیعت گرفت که نوحه سرانی نکرده و خود را چنگ نزده و با مردان در خلوت باقی نمانند» (بحار الأنوار: ۱۰۱/۸۲).

س: آیا از ائمه دلیلی برای روزه روز عاشورا وارد شده است؟

ج: از ابی عبدالله از پدرش از علی رضی الله عنه که فرمود: عاشورا روزه بگیرید (و آن نهم و دهم می‌باشد که گناهان یکسال بخشیده ۲ می‌شود) «تهذیب الأحكام: ۲۹۹/۴، الاستبصار: ۱۴۳/۲».

از ابو الحسن رحمته روایت شده است که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله روز عاشورا روزه بود» (تهذیب الأحكام: ۲۹/۴).

و امام جعفر از پدرش روایت می‌کند: «روزه روز عاشورا کفاره [گناهان] یکسال است» (تهذیب الأحكام: ۳۰۰/۴).

و از امام صادق رحمته: «کسی که روز عاشورا روزه بگیرد همانا آن [روزه] صاحبش را از هر بدی حفظ می‌کند» (وسائل الشیعة: ۳۴۷/۷).

۱- در روز تاسوعا و عاشورا که از تسع و عشر به معنی نه و ده می‌باشند، روزه مستحبی وجود داشت ولی بعدها به علت اینکه خواستند مراسم عزاداری را به شکلی عامتر برگزار کنند از روزه گرفتن در این روزها منع کردند؛ قسمتی از اسناد آن اینجا ذکر شده است. (مترجم).

۲- مواردی از این قبیل که باعث بخشش گناهان می‌باشد فقط شامل گناهانی است که فرد آنها را نخواستسته انجام داده است و گناهی که به عمد انجام شود راهی جز توبه در این دنیا ندارد.



و از پیامبر ﷺ آمده است که فرمود: «بهترین نماز بعد از نمازهای واجب، نماز در ژرفای شب است و بهترین روزه بعد از ماه رمضان، روزه در ماه خداوند است که محرم گفته می‌شود» (جامع الأحادیث الشیعة: ۴/۷۷۴).

و از حضرت علی رضی الله عنه: «روز عاشورا نهم و دهم را احتیاطاً روزه بگیرید که آن کفاره یک سال قبل آن است و اگر کسی آنرا نمی‌داندست و چیزی خورد [در ادامه] روزه خود را کامل کند» (مستدرک الوسائل: ۱/۵۴۹).

از ابن عباس رضی الله عنهما: «اگر هلال ماه محرم را دیدید [روزها را] بشمارید و به نهم که رسیدید روزه باشید [راوی:]: گفتم: این همان است که رسول الله ﷺ روزه می‌گرفت؟ گفت: بله» (اقبال الأعمال: صفحه ۵۵۴، وسائل الشیعة: ۷/۳۴۷).

ورضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاوس روایت می‌کند: «اخبار بسیاری در ترغیب به روزه آن [روز] وارد شده است» (اقبال الأعمال: صفحه ۵۵۸).  
و نوری طبرسی از جعفر بن محمد روایت می‌کند که او همانا فرمود: «سفینه [نوح] روز عاشورا بر کوه جودی مستقر شد از این روانس و جن آنرا روزه بگیرند و آن روزی است که خداوند توبه‌ی آدم علیه السلام را پذیرفت» (مستدرک الوسائل: ۱/۵۹۴).

س: بعضی از محققین ساختن بنا بر قبور ائمه را منع می‌کنند نظر شما چیست؟  
ج: بله، رسول الله ﷺ از این کار منع فرمود و سخن ائمه علیهم السلام نیز بعد از او اینگونه بود؛ از ابی عبدالله رضی الله عنه که فرمود: «رسول الله ﷺ از اینکه بر قبور نماز گذاشته شود یا بر کنار آنها نشسته شود و یا بر آن بنا ساخته شود، منع فرموده است».  
(وسائل الشیعة: ۲/۸۶۹).

و از نبی صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که، «منع فرمود، گچ کاری قبر، ساختن بنا بر آن و نشستن حول آن» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۲۷).

بر این منع، ائمه نیز مطالبی افزودند، از امام صادق ع که فرمود: «حرام خورها هفت دسته هستند: رشوه گیرها در حکم کردن، مهریه زنا و پاداش به دروغگوی غیبگو و بهای سگ گرفتن و کسانیکه بر قبور بنا می‌سازند» (مستدرک الوسائل: ۱/۱۲۷).

و از علی بن جعفر: از ابا الحسن موسی در مورد بنا ساختن بر قبر و نوشتن بر آن سوال کردم که آیا درست می‌باشد؟ فرمود: بنا ساختن بر آن و درست نمی‌باشد حول آن و نه گچکاری و نه گل اندود. (وسائل الشیعة: ۲/۸۶۹، جامع الحدیث الشیعة: ۳/۴۴۴).

از خداوند می‌خواهم که به نوشتن نویسند و خواندن خواننده اجر دهد و ما را به راه درست هدایت فرماید.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.